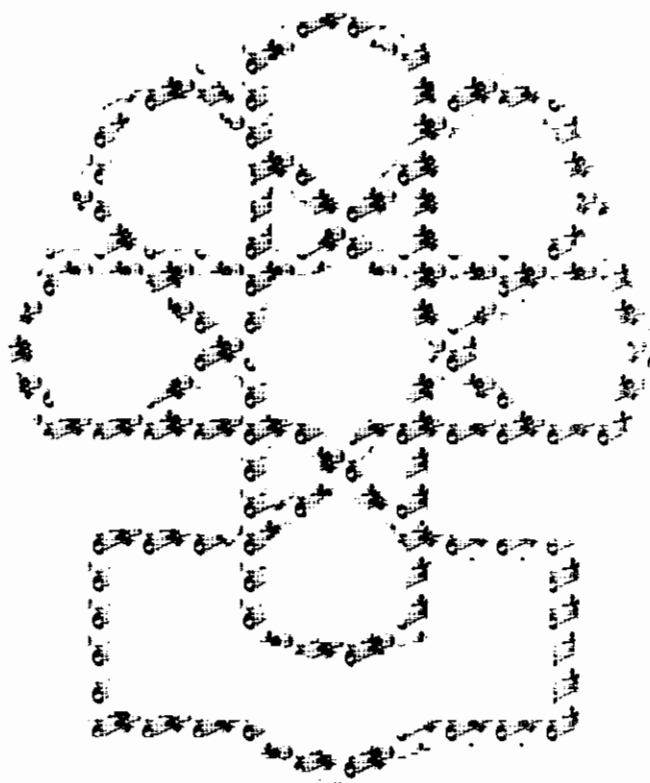




# ما و چالش‌های مدرنیسم

سخنرانی خانم زهرا رهنمود در دانشگاه شهید بهشتی



معاونت پژوهشی

مرداد ۱۳۷۸

کار: دفتر روابط عمومی مرکز

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی	
کتابخانه و واحد اسناد و اطلاع‌رسانی مآرایی	
شماره:	۱۲۰۶۸
تاریخ:	۷۸،۹،۲۲

کد گزارش: ۴۱۰۴۶۰۳

## بسمه تعالی

### ما و چالش‌های مدرنیسم سخنرانی خانم زهرا رهنمود در دانشگاه شهید بهشتی

کد گزارش: ۴۱۰۴۶۰۳

بحث سنت و مدرنیسم یکی از مهم‌ترین بحث‌هایی پیرامون نه تنها مباحث اندیشه بلکه پیرامون وضعیت فعلی کشور ما هم هست در حقیقت یکی از زاویه‌های دید نگاه به خود انقلاب اسلامی از زاویه سنت و مدرنیسم است. البته نمی‌خواهم بگویم که انقلاب اسلامی جنگ سنت و مدرنیسم بود نه جنگ اسلام بود با ظلم و بی‌عدالتی و استعمار بیگانه ولی یک وجه فرهنگی هم در این رابطه داشت که می‌شود از این زاویه به آن نگاه کرد که این که بسیاری از تحلیل‌گران سیاسی این نگاه را داشته‌اند بسیاری از مسائل فعلی کشور ما هم در قلمرو سیاست اقتصاد و فرهنگ برمی‌گردد به مضمون سنت‌گرایی و نوآوری اگرچه این یک زاویه دید است ولی تمام ابعاد نگرش ما را به مسائل فعلی کشور ما نشان نمی‌دهد نمی‌خواهم پیرامون محتوای تاریخی سنت و مدرنیسم صحبت کنم چون همه می‌دانید که مدرنیته بارنسانس شروع شد و با تشکیل دولت‌های ملی یا نیشن استیت‌ها و حذف امپراتوری دینی پاپ‌ها قوت گرفت روشنگری و متفکران بزرگی مثل کانت و دکارت و جان لاک و بقیه در این رابطه فعال بودند نقش مؤثری داشتند بعد دموکراسی‌ها، انقلاب فرانسه، انقلاب دموکراتیک امریکا و پشت سر هم انقلاب صنعتی و مزج‌گیری سرمایه‌داری کشور گشایی‌ها استعمار غرب نسبت به سایر کشورهای جهان مجموعه چند رویه‌ای از مدرنیته بوده که من دنبال بحث محتوایی راجع به هیچ یک از این سرفصل‌ها نیستم چون بنا را روی این داریم که راجع به جایگاه زن در سنت و مدرنیسم صحبت بکنیم پس در دیدگاه ما از یک زاویه تاریخی سنت قبل از رنسانس و مدرنیسم با شروع مدرنیته با جهت‌گیری پتراک و بکاچو که بر علیه آن ماوراءالطبیعه‌گرایی افراطی مسیحیت آغاز شد و با بازگشت به ارزش‌های یونان و روم معنا یافت و ما در حقیقت مدرنیته را از این دوران حساب می‌کنیم سنت‌گرایی هم قبل از آن در دنیای مسیحیت رایج بوده و امروز هم هنوز هم سنت‌گرایان البته در درون فرهنگ و تمدن غربی یک نفس‌های کوچکی دارند می‌کشند. همین‌جا قبل از این که بخواهیم بگوییم که سنت و مدرنیته در کشور ما - و جایگاه زن - چه وضعیتی دارد این را هم باید بگویم که در روند مدرنیسم زن غربی که مورد امروز بحث - ما - زن هست واقعاً بسیار سعادتمندتر از زن قبل از مدرنیسم و دوران سنت‌گرایی است چرا که آن ارزش‌های رایج در دوره قرون وسطی نسبت به زن ارزش‌هایی برخاسته از یک مسیحیت ناب نبود. آن الگوی برتر حضرت مریم (س) در حقیقت شخصیت مریمی برای زن‌های دوران قرون وسطی به ارمغان نمی‌آورد بلکه در حقیقت آن شخصیت مادون که برای زن در دوران قرون وسطی در نظر گرفته شده بود و هیچ نوع ارزش و قداستی برای زن قائل نبودند برخاسته از ارزش‌های فنودالی بود و در حقیقت این فنودالیسم بود که زن سنتی غربی را تعیین و تأیید کرده بود نه آن شخصیت مریمی و آن قداست و آن ارزش‌های والایی که داشت می‌شود گفت که مدرنیسم برای زن در دنیای غرب سعادت‌های بسیاری به ارمغان آورده بود هرچند که این سعادت‌ها متأسفانه کیان خانواده را نابود کرده و امروز بیش از ۴۰ درصد قطعاً بیش از ۴۰ درصد خانواده‌های تک‌والدی الان در غرب وجود دارد ولی از زوایای دیگر علم و دانش و

تحصیل و حق رأی و آگاهی و آزادی و این جور چیزها خوب مسلماً خیلی برای زن سعادت‌های ناگفتنی به بار می‌آورد. در کشور ما یک تعبیری از سنت و مدرنیسم هست که من اول آن تعبیر را به شکل یک تعبیر منفی می‌خواهم مطرح کنم و آن این که سنت را ما متأسفانه به معنای اسلام می‌گیریم و مدرنیسم را حرکات و رفتار و اندیشه‌های متمایل به لائیسزم به این ترتیب سنت می‌شود یک مقوله مقبولی و مدرنیسم می‌شود یک پدیده ضد ارزشی و نامقبول و بسیاری از درگیری‌های فعلی هم که بین جناح‌ها و گروه‌ها هست در حقیقت یک تلقی بیرونی اگر از آن بشود مثل این که یک همچنین نگاهی به این قضایا هست اما این نگاه و تعبیر و تفسیر کاملاً غلط است سنت در کشور ما مجموعه‌ای از نیکی‌ها و بدی‌ها بوده. ارزش‌های مثبت و منفی بوده سنت ربطی به اسلام ندارد اسلام عزیز واقعاً دامن به سنت‌های ایستایی‌الوده سنت‌ها ممکن است زاده نظام‌های ستم‌شاهی باشند استبداد باشند دیکتاتوری باشند سنت‌ها ممکن است آغشته به فتوایس باشند ارزش‌های سرمایه‌داری و تاجر منشانه و دلالت‌ها باشند اینها هیچ ربطی به اسلام ندارد خودش را به نام اسلام معنا کرده خودش را به نام اسلام تبلیغ کرده و بسیاری بی‌خودی دارند به نام اسلام از آن دفاع می‌کنند و نوآوری و مدرنیسم هم هیچ دلیلی ندارد که پایه‌های لائیک و غربی حاصل از جدا شدن دین و دنیا از همدیگر باشد چنانکه تعبیری که همان سنت‌گرایانی که با یک معنای خود ساخته از سنت به قضیه نگاه می‌کنند و اتفاقاً تعریف زن هم در این دو نگرش به همین برمی‌گردد یعنی آن سنت‌گرایانی که ارزش‌های فتوایس و سرمایه‌داری و دلال‌بازی تجاری را و عقب‌ماندگی‌ها و ارتجاع را ارج می‌نهند و بی‌خودی به نام اسلام از آن دفاع می‌کنند آنها جایگاه مادونی درست مثل همان جایگاه زن در قرون وسطی برای زن قائلند من می‌خواهم بگویم که در این میانه اسلام بین سنت‌گرایی و مدرنیسم خیلی مظلوم واقع شده است چون اسلام نه سنت‌گراست نه گرفتار مدرنیسمی از نوع پایه‌هایی که در غرب گذاشته شد و اولین حرکتش مبارزه با مذهب بود چون به جا هم بود و باید هم این کار را می‌کردند و روشنفکران غربی افتخارشان این بود که آن مذهب رایج کلیسایی را دوست ندارند و نمی‌پسندند ولی اسلام فوق سنت و مدرنیسم بود یعنی در درون خودش مکانیسم‌های ترکیب شده‌ای از ایستایی و پویایی را دارد مکانیسم‌های ایستایی که جاودانند و برای همیشه مکانیسم‌هایی که رهنمود دهنده پویایی هستند برای همیشه اعصار و همیشه دوران، همیشه می‌شود مسلمان بود و نوآور بود و در اوج بود و پیشتاز بود و الگو بود برای آینده با حفظ تمام آن جاودانگی‌های اسلامی این تعبیه متدولوژی یک و ارگانیکی است که در خود اسلام و در خود قرآن کریم بی‌شبه حضور دارد در نتیجه اسلام میراست از این که گرفتار این جنگ باشد من به عنوان کسی که همیشه دلم می‌خواست از زاویه اعتقادی به قضایا نگاه کنم با مطالعه‌ای که دارم که کاملاً هم به روز است و - تا - آخرین نوشته‌های پست مدرنیست‌ها و دی‌کانستراکتیویست‌ها را دربرمی‌گیرد آنچه که متوجه می‌شوم توانایی والای اسلام است برای حفظ این دو مقوله پارادوکسی یعنی از سویی جاودانگی و از سویی پویایی تغییر و تحول نه آن سنت‌گرایی فتوادی که به نام اسلام امروز هنوز هم حضور دارد و خودش را تحمیل می‌کند به جوان‌ها و زن‌ها عمدتاً این دو تیپ و سایر اقشار سنی یا تخصصی و نه آن مدرنیسمی که غربی‌ها ارائه می‌دهند و فاقد آن پایه‌های اعتباری و ایمانی و اصول جاودانی است. اسلام فوق اینها حرکت می‌کند در درون خودش جاودانگی و پویایی را با هم دارد برای همین مهم قرائت نسبت به اسلام است قرائت آن کسی که جاودانگی را دریافته و برای همه اعصار می‌داند و در عین حال پویایی‌های اسلام را می‌شناسد و می‌تواند آن را پیشتاز و حتی الگو دهنده و پیشگوی آینده بکند این آن در یافتی است که من فکر می‌کنم خود امام خمینی (ره) هم با

یک همچنین نگرشی به قضیه نگاه کرد حال که امسال سال ۱۳۷۸ سال امام خمینی (ره) نام‌گذاری شده به جاست که از آن شخصیت بزرگ و نوآور و در عین حال معتقد به اصول و پایه‌ها به‌عنوان مرشد و راهنمای هر - نوع - نوآوری فکر و اندیشه یاد بکنیم خوب بدین ترتیب اگر ما از این زاویه یعنی این پیش فرض تمام بحث من باشد که آن تعریف‌هایی که از سنت و مدرنیسم در ایران می‌شود مورد قبول ما نیست در این نشستی که داریم با یک نگرش فراتر بودن نسبت به اسلام و همچنین آنچه که در غرب هم اتفاق افتاده منظور نظر ما به لحاظ این که تطبیق بدهیم با اسلام بگوئیم این طوری بود سنتی بود حالا به این ترتیب مدرن نه این هم رد بشود. حالا جایگاه زن را هم به جاست که یک اشاره‌ای به آن بکنم هیچ شکی نیست که زن در کشور ما از پس از انقلاب اسلامی از یک ارزش و اعتبار ویژه‌ای برخوردار بوده البته همیشه زنان شریف ایران آمادگی پیشروی و پیشتازی را داشته‌اند ولی استبداد سیاسی، استعمار به بیگانه، استبداد دینی و نابرابری‌های اقتصادی و درجات‌های طبقاتی و اقلیت امر این است که آنچنان تبعیض را برای زنان ما و نظام مردسالاری را البته مردسالاری را که می‌گوئیم مقصودم به شخصیت و جنسیت مرد نیست بلکه ساختار حکومتی و قدرت است که در آنها هم مرد نقش درجه اول داشته وگرنه این که به تک تک افراد ما بخواهیم نظر بکنیم و بیشتر مقصود من از نظام مردسالاری و وجهه قدرت‌مدارانه آن است نه وجهه جنسیتی آن چون خودم به هیچ وجه معتقد نیستم که زن و مرد نسبت به هم ستم مشخصی می‌کنند بلکه حتی معتقدم بخش عمده نظام مردسالاری شامل خود زنان هستند از آن لحظه‌ای که بچه‌های خودشان را در دامن خود پرورش می‌دهند ساختار ذهنی خودشان به تمامی مردسالار است تا موقعی که آن را تحویل جامعه بدهند که یک مردسالار دیگر وارد نکند. مسئله نظام قدرت است ساختار قدرت وقتی پدرسالاری باشد ساختار فرهنگی و اجتماعی هم می‌شود مردسالاری و این مفهوم جنسیتی ندارد بلکه ساختار قدرتی و اتوریته دارد و در حقیقت برمی‌گردد به قدرت و مشارکت با یک همچنین نگاهی زن‌های توانمند و شریف ایران و همه جهان اسیر نظامی بودند نه آن آقایان می‌خواستند و نه آن خانم‌ها که این نظام حاکم باشد بلکه آن قدرت‌ها این نظام را ترتیب داده بودند و مجری آن هم البته عمدتاً از جنس مرد بود در این نظام هم مرد دلیل می‌شد هم زن هم نه آزاد مرد داشتیم به قول حضرت امام خمینی (ره) هم نه آزاد زن ولی زن‌ها به دلیل آن ویژگی‌های فیزیکی و وظیفه‌های خاص مادرانه‌ای که داشتند خوب شانس کمتری برای رشد داشتند و همچنین توزیع توانایی‌ها و امکانات مالی اقتصادی آموزش و پرورش تعلیم و تربیت وقتی نابرابر بود زن‌ها را عقب‌تر می‌زد انقلاب اسلامی این سعادت و شانس را برای زن‌ها فراهم آورد که پیشوای این انقلاب به زن‌ها بگوید شما در این انقلاب از آقایان پیش‌تر بودید شما پیشوای ما بودید و ازه‌هایی که به کار می‌رفت شما پیشوای ما بودید شما در این انقلاب از آقایان پیش‌تر بودید چرا برای این که یک زن هم به‌عنوان یک مادر هم به‌عنوان یک همسر هم به‌عنوان هویت زنانه خاص خود شخصیت خودش به‌طور فعال در این پروسه انقلاب و پس از آن ادامه و حفظش شرکت داشت و الحق شعارهای خوبی هم همیشه در این جمهوری اسلامی برای زن‌ها داده شده ولی این شعارها عمدتاً در حد شعار باقی مانده و به عرصه عمل وارد نشده در اینجا من می‌خواهم بگویم که در آن قسمتی که شعارها به عمل درآمد عمدتاً در آموزش و پرورش و آموزش عالی بوده امروز شما می‌بینید که فارغ‌التحصیل‌های دوره تجربی و علوم انسانی و حتی در گروه ریاضی در آموزش و پرورش می‌بینید که یا مساویند یا زن‌ها بیشترند امروز می‌بینید که ورودی زنان در کنکور سال ۱۳۷۷ نسبت به مردان ۴۲ درصد بیشتر بوده و ۵۲ درصد و خورده‌ای ورودی زنان بوده و کمتر ورودی مردان اینها نشان دهنده آن جایی

که شعار به عمل تبدیل شد آنجایی که تبعیض‌ها تا حدودی برداشته شد نه این که بگوییم کاملاً تا حدودی برداشته شد خوب زن‌ها رشد و تعالی چشمگیری داشتند و نشان دادند که خداوند واقعاً انسان‌ها را مساوی آفریده و بی در مسائل حقوقی که زنان مشکل دارند تبعیض به شدت در قوانین به چشم می‌خورد زن‌ها به شدت آسیب‌پذیر بودند و متأسفانه این آسیب‌پذیری کل جامعه ما را دارد در بر می‌گیرد یعنی میزان طلاق امروز در مذهبی‌ها و مسلمان‌های متعهد بیشتر است چرا به خاطر این که بازنگری به حقوق اسلامی زن نشده آنهایی که پایبندی ندارند مشکلی ندارد هر جور دلشان بخواهد رفتار می‌کنند به کسی هم ربطی ندارد ولی آنجایی که با اصول اسلامی و ارزشی بخواهیم به مسائل حقوقی زنان نگاه کنیم به دلیل این که مسائل حقوقی زنان از دیدگاه اسلام دوباره باید نگاه شود و از تجربیات مفید سایر سرزمین‌ها و سیستم‌های حقوقی هم باید استفاده شود در این رابطه زن‌ها آسیب‌پذیرند و این آسیب‌پذیری تسری پیدا کرده به خانواده‌ها، خانواده‌های بی‌دوام خانواده‌هایی که کاملاً بیماری نگرش اسلامی دوباره حقوق به زن یعنی قرائت جدید اسلامی از حقوق زن را نداشتند من همین جا بگویم معتقدم که به حقوق زن و حقوق خانواده نگاه دوباره باید بشود ولی از زاویه خود اسلام یعنی با قرائت نوین اسلام و آن اسلامی که ظرفیت این را داشته باشد که از تجربیات مفید سایر قوانین سایر کشورها بتواند استفاده کند و در درون اسلام آن را جذب کند نمی‌خواهم بگویم که فراتر از اسلام برود چون فراتر از آن چیزی به نظر من وجود ندارد ولی شما می‌بینید هر جای خوبی هر اندیشه خوبی هر تفکر خوبی (حالا این دریافت مطالعات حقیر است) نسبت به مسائل انسان باشد اگر شما با قرائت صحیح و سالم به اسلام نگاه کنید شما می‌بینید در درون اسلام مندرج است شما همین دمکراسی که امروز این قدر راجع به آن صحبت می‌شود واقعاً مگر کجای اسلام گفته با دمکراسی مخالف است اسلامی که رأی دارد اسلامی که بیعت دارد اسلامی که این قدر برای انسان اعتبار و ارزش قائل است اسلامی که اصلاً ما را نمی‌خواهد قدرت را نمی‌خواهد بین عده‌ای کی لایکون دولتر بین اغنیاتکم باشد جادلهم بالتی هی احسن باشد لست علیهم بمسیطر باشد ای پیامبر تو بر آنها تسلط نداری به وسیله بهترین سخن با آنها صحبت کن هیچ قدرتی هیچ مالی نباید در دست عده معدودی بچرخد اسلامی که امر هم شوری بینهم است این اسلام آیا دمکراسی، دمکراسی خیلی چیز ضعیفی است در مقابل آن چیزی که در اسلام مندرج است آیا تمام این زیبایی‌ها و پاکی‌ها و ارج گذاشتن به انسان و توانایی‌اش و آزادی‌اش آیا در اسلام نیست قرائت من از اسلام این است و من درآوردی هم نیست از زاویه آیه قرآن است پس ببینید آنهایی که به عنوان سنت‌گرایی با آزادی و دمکراسی درگیرند و چنین صحنه‌های دلخراشی در صحن کشور فرهنگی ما ایجاد می‌کنند که هر نشستی هر سخنی به درگیری بینجامد اینها مطلقاً فاقد پایگاه اعتقادی اسلامی است این نوع حرکات پس این جادلهم بالتی هی احسن برای کسیست واقعاً من وقتی این صحنه‌های غیرفرهنگی را می‌بینم فوق‌العاده متأثر می‌شوم که چرا که مایی که مکتبی به این پیشرفتگی داریم که سخن و دیالوگ و گفتگو را بالتی هی احسن به بهترین وجه و زیباترین واژه احسن را هم به کار می‌برد به زیباترین وجه آیا این زیباترین وجه است آیا این ملت شریف، ملت خون‌داده این ملتی که انقلاب کبیر اسلامی را انجام داده آبرو نباید در جهان داشته باشد که هر نشستش هر سخنرانی‌اش هر گفتگویش به خشونت بینجامد آیا در کجای قرآن این را کجای اسلام این رفتار خشونت‌آمیز و غیرفرهنگی توصیه شده آیا بحث آزادی یک چیز من درآوردی یک چیز تازه است مال مدرنیسم است آزادی آیا آن چیزی نبود که خود حضرت علی (ع) فرمود که مردم آن چیزی که به سویس می‌روند یا اعتقادات دینی دارند یا این که نه چیزهای خوبی از اول

داشته‌اند یا این که حضرت امام حسین (ع) فرمودند اگر دین ندارید لااقل آزاده باشید آیا آزادی در درون خود اسلام نیست البته آزادی به معنی حفظ حقوق انسان‌های دیگر نه همان‌طور که آقای خاتمی گفتند نه لجام گسیخته نه ولنگاری نه بی‌بندوباری که مسلماً مردم فرهیخته ما همچنین نظری نسبت به آزادی ندارد پس دمکراسی و آزادی من درآوردی دیگران نیست اصلاً درسته زبان و بیان مدرنی در دوره مدرنیته پیدا کرده ولی جوهر آزادی، جوهر مردم‌گرایی جوهر مردم‌سالاری در درون خود اسلام نهفته وقتی که خداوند می‌فرماید که فطرت شما فطرتی الهی است یعنی در درون خود شما گرایش‌های اخلاقی و دینی تعبیه شده این از بیرون نیامده به قول ژاپورسات اگرستانسیالیست‌ها یک حرف خوبی راجع به بیگانگی و غربت می‌زنند می‌گویند که مشکل انسان در نظام‌های کنونی این است که انسان یک چیزی را می‌خواهد ولی حکومت‌ها چیزی را به او حاکم می‌کنند تضاد بی‌شعوری از هستی و جامعه و یک موجودی به نام انسان باعث غربت و بیگانگی می‌شود النیشن را به وجود می‌آورد ولی مادینی داریم، اسلامی داریم که می‌گوید آن حق خواهی آن پاکی آن ضاوت در درون خودت و در روحت تعبیه شده تو چیزی را داری و تشنه آن در بیرون هستی نظام اسلامی باید این باشد من نظام اسلامی که می‌شناسم حکومت مردم با شوراها توش (در آن) آمده، آزادی توش آمده، گفتگو به بهترین وجه توش آمده، این آیه قرآن است در دین اکراه نیست لااگره فی الدین اینها توش مطرح شده ولایت فقیه هم که تئوری مدون انقلاب ماست و انقلاب ما واقعاً به آن برپاست و اگر آن را ضعیف بکنیم به هر شکلی با دفاع بدهم ضعیف می‌شود با حمله هم ضعیف می‌شود این هم هیچ‌گونه تضادی با مردم سالاری با دمکراسی با آزادی ندارد چرا که همه اینها در درون اسلام است. ولایت فقیه را از درون اسلام نمی‌آوریم که آزادی و دمکراسی بیرون آورده باشیم که بعد در جنگ و تضاد قرار گرفته باشند. نه همه اینها در حقیقت یک مجموعه فلسفه - سیاسی و فلسفه هستی‌شناسی ما هم هست. اتفاقاً نه فقط سیاسی اگر سیاسی بود باز بیرون بود هم فلسفه هستی‌شناسی نگرش انقلاب ماست هم فلسفه سیاسی اش، اینها هیچ یک با همدیگر در تضاد قرار نمی‌گیرند این همان نگرش‌های فنودالی است که آنها را در تضاد قرار می‌دهد واقعاً همان خودباختگی در مقابل معیارهای مدرنیسم است که اینها را در تضاد قرار می‌دهد که اگر اسلام را فراتر از اینها و واجد ظرفیت‌هایی برای تمامی اعصار بدانیم که هست و این را با سند متقن قرآن کریم می‌توانیم ثابت بکنیم آن موقع می‌بینیم که یک مجموعه بسیار زیبایی داریم که یک فلسفه سیاسی مدرن و نوآور و مترقی و پیشتازی می‌توانیم به تمام جهان ارائه بدهیم ولی چه می‌شود کرد که با دست خود تیشه به ریشه خودمان داریم می‌زنیم و خودمان را داریم واقعاً در منظر آدم‌های فرهیخته و شخصیت‌های حق‌گرا در داخل و منظر بین‌المللی و رسانه‌ها خود را در یک خواری و خفتی قرار می‌دهیم که انگار که ما دیالوگ و گفتگو بین خودمان و مفاهیم را نداریم و باید از جای دیگری به هر صورت بیاوریم.

در مورد زن هم همین مسائل عیناً وجود دارد، در حقیقت زنی که مورد نظر اسلام است فوق سنت و مدرنیسم است، زنی است پیشتاز، نوآور، فرهیخته، لطیف، شاعرانه، مادر و همه این ابعاد چندگانه را قرائت اسلامی به ما می‌دهد از بیرون نمی‌آوریم این را قرائت اسلامی است که به ما می‌دهد، زنی در اوج که مورد نظر اسلام است نه پارادایم‌های سنتی است. از زاویه پارادایم‌های سنتی ما می‌توانیم به این شخصیت نزدیک بشویم نه از پارادایم‌های امروزی مدرنیسم بلکه از زاویه یک اسلامی که فوق سنت و فوق مدرنیسم حرکت می‌کند و ظرفیت نوآوری تا آن حد است که می‌تواند الگوهای کاملاً موقفی برای آینده زنان مسلمان و سایر زنان جهان ارائه بدهد. به هر صورت ما در شرایطی به سر می‌بریم که یک تجربه عظیمی و یک خواست

اعتقادی خودمانی را به مرحله تحقق رساندیم و آن شوراهای اسلامی است. عظمت این اتفاق من فکر می‌کنم در تاریخ اسلام قطعاً بی‌نظیر است چرا که از روز اول که این انقلاب شد بحث شوراهای مطرح بود هیچ چیز مثل شوراهای نمی‌تواند قدرت را در دستان توانمند و مؤمن مردم توزیع بکند و خوشبختانه امروز شوراهای تحقق پیدا کردند و مردم نماینده‌های خودشان را در این شوراهای بسیج کردند و من امیدوارم که واقعاً فراتر از گروه‌ها و جناح‌ها، شوراهای حرکت بکنند و مصالح ملی و ایمانی و اعتقادی ملت شریف ایران را در نظر داشته باشند. حالا گفتنی زیاد است ولی من چون می‌خواهم در یک گفتگوی زیبا با یکدیگر قرار بگیریم این است که از دوستان خواهش می‌کنم تریبون در دست شما باشد تشکر می‌کنیم از جناب - سرکار خانم دکتر رهنورد.

دوستان ماهم پرسش و پاسخ شفاهی خواهیم داشت و هم مکتوب. کاغذهایی که توزیع شده دوستانی که سؤال مکتوب دارند بنویسند و تحویل آقای بلالی بدهند که پشت تریبون طرح شود و سؤالات شفاهی هم همچنین اسامی‌شان را به آقای بلالی بدهند که به ما اعلام کنند برای طرح سؤالات. اولین سؤال شفاهی را جناب آقای اشرفی مطرح خواهند کرد. صلواتی ختم کنید.

● بسم الله الرحمن الرحيم، با عرض سلام و تشکر از خانم دکتر رهنورد از این که در جمع دانشجویان ما تشریف آوردند من دو تا سؤال داشتم که البته بحث امروز قرار بود راجع به زن و مدرنیسم باشد شما هم بیشتر راجع به اسلام و مدرنیسم صحبت کردید ولی بحث من کلی است راجع به سنت و مدرنیسم. سؤال اولم را جواب کلی می‌خواهم یعنی تیتری. خیلی به تفصیل نمی‌خواهم. مگر این که شما خودتان لازم بدانید که تفصیل بیشتر بدهید. سؤال اول من این است که سنت با مدرنیسم چه موقع در تقابل قرار می‌گیرند منظورم این است که فرض کنید که یک آدم معمولی توی جامعه ما می‌شود این طور فرض کرد که بخشی از رفتارهایش براساس سنت است و بخشی براساس مدرنیسم یا می‌شود گفت که یک سری از الگوهای رفتارشان در جامعه سنتی است و یک سری مدرن. می‌خواهم ببینم این آدم عملاً چه موقع در تقابل این دو تا قرار بگیرد به نحوی که مجبور می‌شود یکی از آن الگوها را انتخاب کند می‌خواهم ببینم آن موردها چه موردهایی است؟

○ ببینید من با تکیه به صحبت قبلی ام ادامه می‌دهم سؤال شما را اگر که سنت را شما از دیدگاه قاجاریه به آن نگاه کنید یک سری نگرش‌های قاجاری به اسلام داشته باشی اگر نگرش‌های فتووالی به اسلام داشته باشی از یک سو نگرش سنتی شما باشد اگر که از زاویه ارزش‌های لائیک غربی به مدرنیسم نگاه کنید به نوآوری نگاه کنید به اسلام هم نگاه کنید مطمئن باشید اینجا اصطکاک به وجود می‌آید. این که شما آن وقت کدام یک از این دو تا را انتخاب بکنید بستگی دارد به شرایط تاریخی تان، اجتماعی تان، خانوادگی تان، خواست‌های اقتصادی‌تان، اینها ممکن است باعث فاکتورهای انتخاب شما باشند بین این دو تا. باز هم روی این حرف خودم تکیه دارم از زاویه فتووالیسم نمی‌شود به سنت نگاه کرد. اگر نگاه بکنید همین برنامه‌هایی می‌شود که امروز به نام سنت دارد اتفاق می‌افتد از زاویه ارزش‌های ۲۰۰ سال قبل از قاجاری نمی‌توانید به سنت نگاه کنید وگرنه همین می‌شود که اتفاق می‌افتد از زاویه لائیسیم موجود غربی و دنیای سرمایه‌داری نمی‌توانید به مدرنیسم نگاه کنید و موفق باشید اگر باشد همین وضعیت غیر عقلانی و فاقد پایه‌های استدلالی پیش می‌آید که امروز هست ولی اگر از زاویه اسلام که فراتر از سنت و مدرنیسم است در درون خودش پویایی و نوآوری

را دارد با سنت‌های زیبا در سرچنگ نیست، با سنت‌های مدرن خوب و متعالی در سرچنگ نیست ظرفیت این را دارد که آغوش خودش را باز بگذارد به روی تمام زیبایی‌ها و پاکی‌ها در آن صورت شما مشکلی نخواهید داشت.

● می‌توانم کمی دامه دهم بحث را یا این که بروم سؤال بعدی اشکالی ندارد؟ خیر. اینجا شما از اسلام صحبت می‌کنید ولی من اصلاً منظورم اسلام نبود یعنی فرض می‌کنیم سنت یک سری روش‌هایی است که نیاکان ما داشتند این را می‌گیریم سنت.

مدرنیسم هم یک سری روش‌هایی است که خرد یا عقل... به حاضرین این است که با نگرش نقادانه نسبت به همه چیز روبه‌رو شوید و خودتان را اسیر این که باید این یا باید آن نکنید مگر خرد و تعقل یک چیز من در آوردی مدرنیسم است من اتفاقاً حرفم در خیلی زمینه‌ها با بسیاری از دوستانم سر این قضیه است بسیاری از نخبگان، فکری که شما هم می‌شناسید که خردورزی شما می‌گویید راجع به اسلام صحبت نکنید ولی نمی‌توانیم من از آن جدا شوم خردورزی در درون اسلام نهفته، اتفاقاً این نگرش نقادانه را اگر از دست بدهید این سنت‌گرایی از زاویه دید فنودالیسم و قاجاریه و منافع شخصی و گروهی بانندی است که نمی‌گذارد که ما با این قضیه به این شکل روبه‌رو شویم که واقعاً خردورزی مگر یک چیز خاص این دوران است. قرآن شما لحظه به لحظه شما را به قوم بتفکرون، قوم یعقلون اولوالالباب بودن دعوت می‌کند خوب من نمی‌توانم اسلام را کنار بگذارم چون فکر می‌کنم که به هر صورت ما از این زاویه به قضایا نگاه می‌کنیم اما اگر مجبور شوم خودم را دور بکنم به شما می‌گویم نگرش انتقادی داشته باشید هر چیزی که به آن نگرش انتقادی با آن زاویه دید انتقادی صحیح و کارساز است برای یک زندگی شرافتمندانه و رستگاری بخش آن را انجام بدهید.

نگرش انتقادی پایه اول هر نگرش متدولوژیک است. سؤال بعدی؛ سؤال من این است آیا بحث از سنت و مدرنیسم در ذات خود نفی سنت را به همراه ندارد، منظورم این است که ما وقتی این الگوی سنت و مدرنیسم را ما بر پایه خردگرایی می‌سازیم یعنی بر پایه مدرنیسم حالا می‌آییم این را شاید بخواهیم در جامعه‌ای پیاده کنیم که عمیقاً سنتی باشد آن موقع وقتی شروع می‌کنیم به بحث از سنت و مدرنیسم اولین چیزی که نمود اولیه‌اش است همان نفی سنت انگار به نظر می‌رسد باشد.

○ اتفاقاً اگر حتی شما فقط همان فرد را پایه نقادی خودتان قرار بدهید که از نظر من هم بسیار مقبول است خودم هم به آن تکیه می‌کنم و اعتبار خاص برایش قائلم. اگر همین زاویه را هم پایگاه بررسی خودتان قرار بدهید. اولاً، سنت‌ها همه ضد خرد نیستند و همچنین مدرنیسم سراسر خردورزانه نیست پس خرد به عنوان یکی از پایگاه شناخت و پایگاه رفتاری ما در زندگی می‌تواند باشد ولی من در کنار آن وحی را هم می‌بینم وحی را هم توصیه می‌کنم ضمن این که وحی و سنت با هم دیگر حتماً یکی نیستند من می‌خواهم بگویم اتفاقاً ۹۰ درصد رفتار سنتی که امروز ما داریم غیر وحیایی است این با همان نگرش انتقادی که عرض شد دارم می‌گویم و همچنین شاید به همین نسبت رفتار امروزی در مدرنیته غیر عقلانی و غیر خردورزانه است. خیلی ممنون.

با تشکر سؤالات زیادی آمده در مورد این که در سنت اسلامی شواهد زیادی هست برای این که زن

تحقیر شده زن نباید در اجتماع حضور پیدا کند. حدیث داریم. من چند سؤال را با همدیگر خلاصه می‌کنم چون به هم خیلی شبیه هستند و احداث می‌کنم. پرسیده‌اند که در اسلام مثلاً آمده که حضرت فاطمه (س) فرمودند بهترین کمال زن این است که هیچ مردی او را نبیند و او هیچ مردی را نبیند یا مثلاً پرسیدند که حضرت فاطمه با آن که دیوار به دیوار مسجد بودند در زمان پیامبر (ص) در کمترین تعداد نماز جماعت شرکت می‌کردند. با همه تأکیدی که از اسلام به نماز جماعت بود با این اوصاف چگونه از حضور زنان در جامعه و مشارکت آنها در فعالیت اجتماعی می‌گویید یا فرمودند که شما گفتید که انتخابات شوراها کلاً شوراها مورد تأیید اسلام است پرسیدند شورا که در اسلام گفته می‌شود شرایطی دارد. حالا من چون سؤال آمده طرح می‌کنم حالا من عین سؤال را بخوانم گفته‌اند این که شورا در اسلام است اشتباه است.

صرفاً اگر نگاه کنید که و امر هم شوری بینهم در قرآن است پس شورا از اسلام است اشتباه است زیرا که مشورت در اسلام حدود دارد مثلاً با جاهل نباید مشورت کرد یا مثلاً زن نباید طرف مشورت قرار بگیرد. شواهد زیادی حالا سؤال زیاد است که از سنت شواهدی آوردند برای این که اسلام با زن برخورد تحقیرآمیز کرده چگونه است که اینها را شما چگونه توجیه می‌کنید و دم از مدرن شدن یا مناسبات اجتماعی در مورد زنان. ضمن تشکر از حساسیتی که دولتماند داشتند باز هم مثل این که من باید راجع به آن تعریف اولم صحبت کنم و آن این که شما آن سنت‌های ایستا که انگ فتو دالیسم یا انگ سرمایه‌داری - قاجاریه یا استبداد سیاسی یا استبداد دینی دارد باز اینها را با اسلام یکی کردید. اسلام روی شوری تکیه طولانی دارد. خود شخص پیامبر (ص) مشورت می‌کردند با زنان. خود حضرت علی (ع) که آن بحث مشورت با شورا را دارند با زنان فرهیخته در دوران خودشان مشورت داشتند و آن بعدی هم که مشورت را مذموم دانستند طبیعتاً با آن فضای فرهنگی که درباره ارزش‌های جاهلیت برگشته بوده اگر که سند درست باشد اگر که نباشد هم من البته توجیه خودم یک همچنین چیزی است با شناختی که از مطالعات و زندگی حضرت علی (ع) داشتم که یارانی از زنان داشتند که حتی در معیت ایشان در جنگ‌ها حضور می‌یافتند. به نظر می‌آید که شرایط فرهنگی آن دوران مشورت با این تیپ زنان که جاهلیت برای آنها دوباره رجعت کرده بوده مذموم می‌دانستند و کلاً من این را می‌خواهم بگویم که به قطعاً نگرش تحقیرآمیز نسبت به زن حضور داشته در تاریخ ۱۴۰۰ ساله کما این که قبل از آن هم در تاریخ ایران باستان به شکل بسیار حادش جز زنان و دختران پادشاهان و اشراف که از ویژگی خاصی برخوردار بودند باقی از اهانت‌های خیلی تندی برخوردار بودند و در سراسر این ۱۴۰۰ ساله هم به دلیل سنت‌هایی که ایستا و جاهلی بوده یعنی انگ و رنگ اسلامی نداشته این اهانت نسبت به زن در آنها حالت مادون نگرستن وجود داشته. ولی آنچه که شیوه خود پیامبر (ص) بوده غیر از این است و آنچه که در قرآن مجید آمده است که حتی به پادشاهی و حکومت یک زن که ملکه صبا است اشاره می‌کند بدون این که نگرش منفی داشته باشد. به این قضیه جالب این است که قرآن مجید کاملاً نحوه سیاستمداری و سیاست‌پردازی او را پالیسی‌میکنش را به قول امروز مطرح می‌کند و آن را صحنه می‌گذارد پس می‌بینید که نظر اسلامی یک نظر مساوات طلبانه و حتی ارج بیشتری برای زن قائل است ولی آن نگرش‌های سنت‌گرا را من خودم هم با شما کاملاً هم عقیده‌ام که ضد زن بوده و کاملاً برمی‌گردد به همان نگرشی که امروز در جامعه‌شناسی سیاسی و جامعه‌شناسی زن مطرح است و آن پدرسالاری است. در بعد شخص حضرت زهرا (س) که فرمودید این روایت که ایشان چنین حرفی را زده هیچ سندی ندارد و نمونه‌اش رفتار خود حضرت زهر (س) است که تمام صحنه‌ها را حضور داشته از حقوق سیاسی، حقوق به هر صورت انسانی و

اخلاقی و هرچیز دیگری که فکر کنید چه مربوط به زن چه مرد در آن مقطع دفاع می‌کرد حالا حضورش را در نمازهای جماعت فکر نمی‌کنم هیچ و یدنویی و هیچ دستگاه فیلم برداری ای این را نشان داده باشد. با تشکر. جناب آقای فلاحی برای طرح سؤال شفاهی شان تشریف بیاورند. بسم... الرحمن الرحیم. با تشکر از خانم دکتر رهنورد که تشریف آورده‌اند من البته از صحبت‌های ایشان تا اینجا مقداری واقعاً متعجب شدم یعنی با توجه به آن شناختی که بنده از ایشان طبق آن مقالاتی که نوشته بودند و دید علمی که داشتند خوب انتظار داشتم این‌جا هرچند که فرمودند وقت کم بوده شاید به خاطر همین بوده یک بحث علمی مطرح بشود و دقیقی در آن حد بالاخره وقت کمی که هست ولی خوب متأسفانه این‌طور نشد شاید به خاطر کمبود وقت من امیدوارم در جواب سؤال حالاً آن مواردی که بنده سؤال می‌کنم را ایشان با دقت و همان دید علمی که ما از ایشان سراغ داریم جواب بدهند. اجازه بدهید خیلی خودمانی سؤال کنم کاری به درست یا غلط بودن حرف‌های شما ندارم به خصوص حرف‌های شما خوب در موارد خیلی مختلف هم بود هرچند که موضوع بحث هم البته سنت و مدرنیته بود و موضوع زن شما راجع به ولایت فقیه راجع به عقلانیت انتقادی راجع به خشونت سیاسی و همه اینها صحبت کردید و خوب هرکدام از این موارد جای بحث زیادی اما راجع به همین بحث سنت و مدرنیسم می‌خواهم سؤال کنم که چرا باید ما حرف‌های شما را باور کنیم ۲۰ سال دارد می‌گذرد از این انقلاب و شبیه همین حرف‌ها را در تمام حوزه‌های دیگر شنیدیم. ما شنیدیم اسلام اقتصادی دارد برتر از فنودالیسم و کمونیسم ولی در عمل این وضعیت اقتصادی کشور است.

ما شنیدیم اسلام سیاسی دارد فراتر از سیاست غرب و شرق خوب این هم وضعیت اوضاع سیاسی کشور. حالاً هم شما دارید می‌گویید که اسلام فراتر از سنت است و مدرنیسم. شما چه دلیلی برای این حرفتان دارید؟ با شعار دادن آن هم توی یک جمع بالاخره دانشگاهی من فکر نمی‌کنم مشکلی حل شود. شما البته شعارهای زیادی اینجا دادید و من فقط به همین اشاره می‌کنم بعد همان سؤالی که دارم حرف شما را ما چرا باید باور کنیم؟ این که می‌گویید اسلام فراتر از سنت و مدرنیسم است به چه دلیلی؟ به چه حجتی؟ آیا شما واقعاً یک صحبتی که کردید گفتید که من واقعاً تعجب کردم. گفتید اسلام با سنت‌های خیلی مدرن و خوب در تقابل نیست تقریباً عین جمله خودتان است شما تعریف‌تان از مدرن چیست؟ هرچیز مدرنی خوب است بعد این که شما می‌گویید اسلام فراتر از مدرنیسم است. من احساس می‌کنم شما در واقع با نظریه کارایی (کارآمدی) به اصطلاح به اسلام نگاه می‌کنید می‌خواهید این را بیوشانید به خاطر همین می‌گویید اسلام فراتر از هرچیز است. خوب آن طرف ما می‌بینیم در افراد کاملاً سنتی هم همین حرف شما را می‌گویند. خوب اینجا باید بالاخره یک صحبتی مطرح شود. شما می‌فرمایید ما اینها را از قرآن درآوردیم. خوب آن طرف هم از قرآن درآورد. آیا واقعاً قرآن این قدر پیچیده صحبت کرده که ۱۴۰۰ سال که می‌گذرد این همه تفسیر نوشته شده این همه روش صحبت شده، هنوز کسی به آن کنه اصلیش نرسیده، که مثلاً چه طور چیزی اگر واقعاً این است خوب چه فلسفه وجودی دارد استفاده از قرآن مان. نکته دیگر این که البته در ادامه همان سؤال مطرح می‌شود این که فرمودید خیلی از مسائل مثل فنودالیسم و بالاخره آن مسائلی که بوده با اسلام آمیخته شده و اینها خودشان را به نام اسلام تبلیغ کرده‌اند من باز هم سؤال اینجاست این است که این حرفی که شما می‌زنید درست فرض کنید ما بپذیریم درست. چه دلیلی دارید شما که ما بتوانیم بفهمیم که این سنتی که شما می‌گویید این همان فنودالیسم است که خودش را به اسم اسلام مطرح می‌کند یا این که اسلام ناب دارد مطرح می‌شود بالاخره به اینها توی یک جایی باید پاسخ داده شود اگر ما بخواهیم به همین صورت به همین

شعارهایمان ادامه دهیم در تمام موارد من فکر می‌کنم ۲۰ سال یا ۳۰ سال دیگر هم بگذرد خیلی وضعیت مادر مسائل مختلف خینی تفاوتی با الان نداشته باشد.

ببینید من ابتدا یک نکته‌ای را عرض کنم و آن این که ما هیچ گریزی نداریم به این که یک نگرش نوینی نسبت به اسلام داشته باشیم. این پایه مبارک را من معتقدم شخص خود امام خمینی (ره) گذاشته. ایشان نگاه نو و تازه‌ای به اسلام داشته‌اند نگاهی متفاوت با آنچه که در قبل بوده در مورد زن هم همین نگاه نو را حضرت امام مطرح کردند و تصویر جدیدی از زن ارائه دادند با تعاریف خودشان که این تصویر تمامی زندگی زنان ما را از آن به بعد تحت تأثیر خودش قرار داد البته نمی‌خواهم بگویم حکومت‌گران قانون‌گذاران و سیاستمداران براساس آن نگاه رفتار کردند نه مسلماً براساس گرایش‌های خودشان چون در میان یاران امام همه جور آدم بودند و با همه جور گرایش‌های تمایلات طبقاتی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی هنوز هم همانها هستند که می‌بینید همین جناح بندی‌ها و همین مسائل امروزی وجود دارد ولی به هر صورت آن نگاه یک نگاه نو بود. یک قرائت جدید بود. من معتقدم اصلاً هیچ کاری ما نمی‌توانیم بکنیم برای بهبود وضع کشور خودمان و هیچ حرف جدیدی نمی‌توانیم داشته باشیم مگر این که قرائت جدیدی از اسلام داشته باشیم خوب چگونه می‌توانیم به قول دوستان یک حرف خیلی خوبی زدند خوب اگر قرار باشد همه چیز را تازه بکنیم پس حالا چرا بگوییم اسلام می‌توانیم بگوییم یک فکر جدید نه این طور نیست به دلیل این که ما در اسلام ضمن قرائت جدید یک پایه‌ها و اصول جاودانی را می‌بینیم که براساس آن می‌خواهیم در حقیقت آن نوآوری‌های خودمان را انجام دهیم. این نوآوری‌ها هم نوآوری‌هایی است که خود اسلام به ما توصیه می‌کند که در این زمینه و این زمینه‌ها داشته باشیم در حقیقت یک متدولوژی در درون خودش است و یکی دیگر واقعیت‌های عینی موجود بیرونی است که از ما می‌خواهند که براساس اینها در حقیقت به آن واقعیت‌ها نگاه بکنیم مثل مقوله خود سرمایه‌داری که مرحوم شهید مطهری به آن نگاه کرد به سرمایه‌داری و در حقیقت بحث مسائل مستحدثه را مطرح کرد و وسایل تولید را که چگونه می‌توانند اصلاً مسئله مالکیت را دگرگون بکند خوب این در حقیقت آن متدولوژی در اسلام و قرآن بود که به او توصیه بکند نگاه جدید داشته باشد و سرمایه‌داری را ببیند.

ما با قرائت جدید مهم‌ترین کارمان دیدن است ببینیم چه اتفاقی افتاده چه خبره، زن در چه وضعیتی قرار دارد. تنوری‌های جدید چیست اصلاً سنت چگونه می‌شود نگاه کرد دوباره به سنت نگاه کنیم به مدرنیسم دوباره نگاه بکنیم پس به این ترتیب این مسئله برای ما نیست که اگر می‌خواهیم خیلی تحول ایجاد کنیم پس اصلاً چرا اسلام چرا بیاییم سراغ یک آرمان یک عقیده پس بگذاریم به روز، یک روز مدرنیسم باشیم یک روز دیفانترکتیس باشیم یک روز... من معتقدم که هیچ ملتی این کار را انجام نداده نه ما هیچ ملتی، حتی مارکسیسم همه با هم نوآوری‌هایی که در اوایل قرن ۱۹ داشت باز هم بر پایه بسیاری از سنت‌های غربی حرکت خودش را انجام داد. آن هم یک اعتقاد لائیک چه رسد به نگرشی دینی که خواه ناخواه یکی از پایه‌های آن و حیانت است و وحی یکی از پایه‌های نقادی و سامان دهنده اندیشه‌ها و افکار ما می‌تواند باشد حالا دوستان که فرمودند شما همش شعار دادید و بحث علمی نکردید من می‌خواهم بگویم که شاید خودشان خیلی شعار دارند می‌دهند و از پیدا کردن آن در حقیقت کلیدهای خیلی علمی و متدولوژیک که من در صحبت‌هایم قرار دادم به آنها توجه نداشتند امیدوارم که در یک فرصت و صحبت بیشتری راجع به این کلید با اینها صحبت بکنم. با تشکر.

سؤال شده که اولین موضع‌گیری علیه حق رأی زنان در رژیم گذشته توسط چه کسانی بود آیا توسط کسانی نبود که بعداً متولیان جمهوری اسلامی شدند پس چگونه می‌فرمایید که زنان توسط انقلاب صاحب حرمت و کرامت شد. ببینید اتفاقاً از آن سؤال‌های مطرح و عمیق می‌تواند این باشد من در میان متولیان کسانی که راجع به حق زنان در آن مقطع صحبت کردند البته حرف دارم چه کسانی بودند با چه انگیزه‌هایی آیا انگیزه‌های فنودالی بود آیا انگیزه‌های اسلامی بود آیا انگیزه‌های سیاسی بود البته همه اینها بود ولی حداقل شخص خود امام را که من نسبت به ایشان در حقیقت می‌خواهم صحبت کنم و اندیشه‌هایشان فکر می‌کنم می‌تواند یک چراغ نوین نسبت به اسلام باشد خود ایشان در حقیقت حتی می‌گفتند راندگی هم در آن نظام حتی ایشان معتقد بودند قرآن خواندن هم از یک تریبون استبدادی یعنی وقتی که نظر به حکومت و ساختار آن داشتند از طریق این حکومت هر چه ارائه شود منظور است حتی راندگی کردن زن ولی وقتی نظام اسلامی بر اساس احکام اسلامی ترتیب بیاید خوب طبیعتاً رفتار انسان معنا پیدا می‌کند خود این بحث علمی است که یک ترک کار بردی و پانشنال باید از حضور رفتار اندیشه‌ها و کردار مادر نظام‌ها بکنیم هر کدام از ما در اینجا چه کار بردی داریم مسلماً سناتورها و نمایندگان مجلس شاه نمی‌توانستند در آن سیستم افراد مفید و مثبتی باشند و در یک نظام اسلامی خیلی خوب می‌توانند نقش ایفا بکنند البته با تمامی احوال که دارم می‌گویم من به شدت نسبت به رفتار سیاسی و اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی این ۲۰ ساله منتقد بودم و هرگز هم وارد هیچ نوع روابط و مناسبات سیاسی به خاطر همین دلیل نشدم این ربطی به نگرش انتقادی به این ایام ندارد من به آن الگوهای اسلامی معتقدم که آن الگو برای زن جایگاه ویژه اخلاقی و انسانی قائم به خودی قائل بوده نه این که مصرف‌کننده استبداد و غیره باشد حالا اگر که نماینده‌هایی باشند که دلشان بخواهد از این الگوهای استبدادی تبعیت بکنند حالا آن مسئله خودشان است ولی مسئله اسلام نیست با تشکر. البته این سؤالی که شد یک حاشیه‌ای هم خورده که نوشته چرا برای رأی مردان چنین موضعی گرفته نشد که این را هم گفته‌اند طرح کنید در ادامه همین سؤال. خوب از این موشکافی‌شان باز تشکر می‌کنم به این دلیل حساسیتی کمتری البته امام می‌فرمودند ما آزاد مرد مگر داریم که آزاد زن داشته باشیم بحث آزادی‌ها که مطرح می‌شد هیچ‌کس در نظام استبدادی آزاد نیست در یک نظام استبدادی وابسته به بیگانه ولی در مورد زن این حساسیت بیشتری که داشتند به خاطر همان نقش همه جانبه و چند بعدی و کارهای چند جانبه زن است از یک سو می‌تواند نفوذ کند زیر پوست اعصاب و اندیشه هر انسان دیگر به خصوص جنس مخالف خودش نه به خاطر جنبه جنسی بلکه به خاطر آن ویژگی نفوذ کنندگی که خداوند به زن عنایت فرموده که دیگر یک بحث هستی‌شناسی باید در حقیقت داشته باشیم به خاطر این نفوذ به خاطر نقش مادری به خاطر این که دامانش خواستگاه ارزش‌هاست به تمامی این دلایل اگر که زنی در اختیار و مصرف‌کننده آن ارزش‌ها قرار می‌گرفت می‌توانست نقش منفی به مراتب بدتر از مرد ایفا کند کما این که آن کسی که این حرف را زد تصوریش این است. صلاح و فساد یک جامعه به زنان است برای این که این قدر نقش کارساز و مؤثر دارد در حقیقت ساختار فرهنگی جامعه را اگر چه زن و مرد با کمک یکدیگر می‌سازند ولی نقش نفوذی زن واقعیت امر این است که بیشتر است حالا شاید هم یک اصطلاح سیاسی هم بهتر بتواند مطلب را برساند نقش نفوذی زن در ساختار اقتصادی فرهنگی سیاسی و عمدتاً ساختار فرهنگی و ایمانی و اعتقادی به مراتب شدیدتر از مردان است زبان مادری می‌گوییم درست است نمی‌گوییم زبان پدری در حالی که هر دو نقش دارند این به خاطر نقش نفوذی زن در زیر پوست مغز و اعصاب انسانیت و بشریت است. با تشکر.

آقای معیز برای طرح سؤال شفاهی خود تشریف بیاورند: به نام خدا و با سلام خدمت حضار و خانم رهنورد. سؤال من این است حالا فرض که همه مباحث شما صحیح و درست باشد ما یک بحث فرآینحی خواهیم داشت برتر از سنت برتر از مدرنیسم برتر از چپ برتر از راست برتر از امریکا، شوروی و همه چیز حالا ما یک مجموعه‌ای را می‌خواهیم در اختیار شما قرار بدهیم یک مجموعه کوچکی از این اجتماع می‌خواهیم بگوییم که آیا شما می‌توانید این مباحث خودتان را آنجا پیاده فرمایید یا نه؟ اگر بله چقدر طول می‌کشد.

متشکر. من نمی‌دانم چقدر طول می‌کشد چون تجربه‌ای نکردم فرصتی نداشتم که ببینم چگونه می‌توانیم ما یک نگاه نو و جدید به اسلام داشته باشیم گروه‌های مزاحم را هم بتوانیم مجاب کنیم این گروه‌های مزاحم سرشان به آخورهای باندها و گروه‌ها وصل نباشد و با کوچک‌ترین صحبتی انگ کافر و منافق را به روی آدم نگذارند و آن طرف مقابل هم با کوچک‌ترین حرف اصولی تو را یک آدم سنت‌گرای متحجر و مرتجع نداند تمام این برآوردها و چیدن در حقیقت تمام این فاکتورها در یک صحنه تمام اینها مورد نظر است من الان این طرح را به شما دارم می‌دهم به نظر من باز هم روش (بر آن) مسرم اسلام فوق سنت و مدرنیسم است برای همه زمان‌هاست در اسلام و حیانت و خرد و عقل و آزادی و دمکراسی و شورا و اندیشه و فکر همه اینها وجود دارد ما می‌بینیم که به نام‌های باندها و گروه‌های خودمان با آن مخالفت می‌کنیم حقیقتش من هرگز نتوانستم علاقه‌ای به باندها و گروه‌ها داشته باشم اگرچه تمام عمرم را برای مبارزه، مسائل فرهنگی هنری اختصاص دارد و خوشحال هم هستم که همچنین پویایی داشته‌ام ولی عشق و علاقه‌ای نتوانستم به باندها و گروه‌ها داشته باشم چون اولین قدم که می‌گذاری آزادی‌های آدم از بین می‌رود ولی توصیه نمی‌کنم گروه‌ها و احزاب سیاسی و روزنامه‌ها و مجلات و نشریات در کشور نباشد الان وجود این همه نشریه در کشور ما واقعاً یک آبرو و افتخاری است برای کسب آن ارزش‌های الهی و اسلامی و نمی‌گوییم همه‌شان عالی و خیلی اصولی رفتار می‌کنند ولی همین که وجود دارند و هزینه آزادی و اندیشه را پرداخت می‌کنند و مردم هم متحمل می‌شود. لغزش وجود دارد اوج‌گیری هم در آن وجود دارد همین برای ما یک فرصت مغتنم است در این شرایط که بتوانیم در حقیقت به آن آرمان‌ها البته در یک تجربه طولانی به آن آرمان‌های مورد نظر برسیم و همچنین ان شاء... که گروه‌ها بتوانند فعال رفتار کنند واقعاً بتوانند خواسته‌های مردم را سامان دهند بازیگران غیردولتی را زیاد بکنند کثرت ببخشند هم به لحاظ نمادها و گروه‌ها و هم به لحاظ تعداد افراد. مسلماً یک حکومت مردمی حکومتی است که بازیگران دولتی و غیردولتی در کنار همدیگر فعالیت داشته باشند تا خواسته‌های مردم واقعاً رسانده شود به گوش ناشنواى معمولاً قدرت مداران و حکومت‌مداران. تنها خلاصه یک بازیگر می‌تواند در صحنه حضور داشته باشد و حرف‌های همه را هم گوش بدهد و به خواسته‌های همه رفتار کند اینها به جای خودش ولی چون از شخص من پرسیدید من شخصاً در رابطه با خود اسلام معتقدم فرآینحی است فرامدرنیسم و پست مدرنیسم اصلاً ادیان طبع‌شان زمانمند نیست طبع‌شان فوق زمان حرکت می‌کند چون به وحی مربوطند حالا از این به بعد به نخبگان جامعه اعم از علمای دینی یا روشنفکران مربوط می‌شود که با قرائت‌های نوینی براساس داده‌های معاصر می‌توانند اولاً به اسلام نگاه بکنند و دوم این که بتوانند وقایع موجود را ببینند درد ما این است الان که نه براساس داده‌های اندیشه امروز خودمان را مسلح می‌کنیم که بتوانیم به اسلام نگاه کنیم و نه می‌بینیم اصلاً وقایع موجود جهان و داخلی خودمان را نمی‌توانیم ببینیم یعنی من فکر می‌کنم مشکلی که ما در سطح نخبگان باید واقعاً پیگیری بکنیم که

با نگاه نو به اسلام نگاه کنیم و در عین حال وقایع موجود را و اتفاقات جدید فرهنگی، علمی، تکنولوژی، سیاسی پیرامون خودمان را در سطح ملی و بین‌المللی ببینیم دیدن یکی از بزرگ‌ترین مسائل است من حتی معتقدم بسیاری از نخبگان سیاسی و فکری ما بسیاری از وقایعی که همین الان در کشور می‌گذرد را حتی نمی‌بینند من احساس می‌کنم اصلاً دیده نمی‌شود فکر نکنید دیدن همین است که ما می‌بینیم بله زدند تو سر همدیگر فلان شد این جناح آن جناح، این صحبت آن صحبت، این دولت‌مرد و... نه من احساس می‌کنم نمی‌بینم یعنی دیدن یک دیدن انتقادی است، دیدن یک دیدن واقعیت موجود است تبعاتش هست در نقشه رفتاری ما جایگاه این وقایع کجاست.

ببخشید سرکار خانم ظاهراً من در طرح سؤال مشکل داشتم یا این که شما اشتباه استنباط کردید من اصلاً روی صحبت‌های شما هیچ ایرادی نمی‌گیرم خیلی هم درسته فرض می‌کنیم که درسته حالا شما چقدر زمان می‌خواهید تا برای یک مجموعه کوچکی که فکر می‌کنم منظور من را متوجه شدید که دانشگاه است این صحبت‌های خودتان را آنجا پیاده کنید و آن نتایج گویبارش را ما آنجا ببینیم من اصلاً کاری ندارم که این صحبت‌ها (بحث‌ها) درسته یا غلط خیر خیلی درسته بهتر از سنت هست بهتر از مدرنیسم هست ما چقدر زمان می‌خواهیم آیا در یک ریاست ۳ ساله می‌توانید جوابگو باشد یا خیر آیا آنجا می‌توانیم نتایجش را ببینیم یا خیر باز هم ریاست‌های بعدی باز هم توجیه‌گر خواهند بود.

با تشکر، من فقط یک آرزو دارم امیدوارم که ما بتوانیم ببینیم تمام دستاوردهای یک نگاه جدید به اسلام و یک کشور کاملاً پیشرفته و مترقی و نو و زنده و پویا و در عین حال با همدلی و وفاق همگانی امیدوارم ببینیم حداقلش خود شما دانشجویان اولین پیشگام باشید مگر دانشجویان غیر از این که به قول رژه‌دبره زمانی که ما مبارز انقلابی بودیم حالا که دیگر فسیل هستیم ولی آن موقع‌ها این حرف برای من دانشجوی خیلی مؤثر بود می‌گفت دانشجوی چیزی ندارد که از دست بدهد البته او امروزه خودش یک آدم محافظه‌کار است ولی به هر صورت این حرفش یک حرف بزرگی بود در زمانی که جزو مبارزین ایامش بود خودتان یک تجربه‌ای بکنید دانشجوی که چیزی برای از دست دادن ندارد نه پست و نه مقام دارد به قول دکتر شریعتی به پاچال هیچ بازار و هیچ دفتر و دستک و شغل آینده‌ای هم وابسته نیست خودتان را نشان بدهید که پیشتان هستید وابسته به واقعاً اندیشه‌های متعالی هستید وابستگی‌های دیگر ندارید و در اوج می‌خواهید حرکت کنید پیشگام باشید برای ملت خودتان آزادی، سرافرازی، عدالت برابری همه چیز را در شعارها و رفتار، خودتان اقدام بکنید چقدر زمان می‌خواهد اجازه بدهید که مقادیرش را قبول کنیم که این سؤال واقعاً یک سؤال علمی نیست.

خانم فرزانه سلیمانی برای طرح سؤال خودشان تشریف بیاورند. به نام خدا با سلام و تشکر از سرکار خانم رهنورد. من احساس می‌کنم که همه چیز قابلیت حل شدن دارد اصلاً خودم با این که مطرح کردم که بخواهم اینجا سؤال کنم در تردید بودم که باز هم بیایم و سؤال کنم یا نیایم اول این که تشکر کنم از بحثی که شما مطرح کردید و سؤالی که یکی از آقایان مطرح کردند که چرا همیشه شعار دادید و شعار می‌دهید این که من خودم شخصاً و این که فکرهای درونی‌مان خانم دکتر سنتی هست یعنی ما خانواده‌هایمان سنتی هستند خودمان ناخودآگاه‌هایمان سنتی است ولی الان داریم با یک سری روبناهایی که یک مقدار برایمان مجهول الهویه هستند مدرنیته را مطرح می‌کنیم حتی من دارم فی‌الواقع حرف می‌زنم در نسل خودمان ما دانشگاهی‌ها حتی ما ظرفیت این را نداریم که مثلاً ببینیم یک دانشگاه دخترانه تو کشورمان هست و خیلی

انگ‌ها و چنرها توش می‌زنیم و حتی در ارتباط با دختر و پسرها و اصلاً ارتباط خانم‌ها و آقایان اینها هزار تا مسئله و خود ماها که می‌گوییم شعار ندهیم خود ماها هزار تا برنامه و ذهنیت‌های منفی داریم نسبت به این قضیه حالا سؤالم این است که درسته که هر چیزی زمان می‌خواهد تا مسئله‌اش حل شود و از حقیقت موضوع به واقعیت تبدیل بشود ولی آیا شما چقدر فکر می‌کنید که رابطه بین سنت و مدرنیسم که الان در جامعه ما وجود دارد چقدر این فاصله می‌تواند به حقیقت خودشان نزدیک شود و آیا حتماً باید یک نسل بگذرد یعنی ما که حتی الان در این سمینارها شرکت می‌کنیم ماهایی که می‌خواهیم اینها را به هم نزدیک کنیم و یک شکل فرامرزی. فراندیشه‌ای به آن بدهیم و از دیدگاه همان اسلام همان حالت دیالکتیکش بررسی بکنیم آیا ما هم باید سعی کنیم یعنی بگذاریم زمان حل بشود و شما چه جوری آینده را می‌بینید یعنی می‌گذارید که این نسل پاسخ دهنده این رابطه باشد یا این که ما می‌توانیم با این تفکراتی که داریم پیش‌بینی شما چیست؟ خیلی متشکرم. خینی ممنون از دوست‌مان که بالاخره حق خواهری را به جا آوردند ببینید یک صحبت مهمی کردند این که ذهن ماها متأسفانه یا خوشبختانه‌اش را نمی‌توانم بگویم از خیلی جهات سنتی است من می‌خواهم بگویم که واقعیت امر این است که اگر سنت را به معنی خویش بگیریم یعنی جنبه‌های خوبی که در هر سنتی، زیبایی‌هایی که در هر سنتی وجود دارد که مسلماً مقصودشان این نبود چون یک چیز مثبتی است و آمادگی پاسخ‌گویی به روابط و مناسبات جدید را هم دارد ولی آنجا در داست که ذهن سنتی به معنای ارتجاعی و نگرش مادون‌گرای خودش نسبت به جنس دیگری باشد نسبت به مسائل و اتفاقات باشد ولی شعار نوگرایانه و نوآورانه بدهد آن وقت آن می‌شود که می‌بینید که الان طلاق در خانواده‌های به اصطلاح مذهبی ما به اصطلاح می‌گوییم چون واقعیت این طور نمی‌تواند باشد الان بیشتر از آن خانواده‌هایی است که به اصول خاصی معتقد نیستند چرا که این می‌آید با آن نگرش سنتی خودش می‌خواهد یک موجود پیش‌تاز امروزی را در قالب‌هایی محدود به هستی خودش بریزد آن هم نمی‌تواند قبول بکند در حقیقت تضاد سنت‌های ارتجاعی و ایستا و نوآوری که حالا هیچ‌نوعی ارزشی هم من باز به آن نمی‌خواهم بدهم شاید هم یک جایی بد باشد شاید هم خوب باشد این باعث شده که این اتفاق در میان خانواده امروز. متأسفانه آنچنان به هم ریخته که اولین توصیه همه خردمندان جامعه ما این است که موقع از دواج مشاوره زیاد داشته باشید با این و آن قبل از این چرا به خاطر این که حالا در سطح دانشگاهی‌اش به شما عرض می‌کنم و گرنه این مسئله در سطح یک کشوری که یک دفعه از ۳۰ میلیون به ۷۰ میلیون رسیده، ۳۵ میلیون به ۷۰ میلیون رسیده خیلی حاد است در سطح دانشگاهی‌اش را شما ببینید چه‌طوری است الان از گوشه و کنار این کشور با هزاران فکر و فرهنگ و اندیشه و خانواده که هر کدام برای خودشان یک کارکتر دارد وارد دانشگاه شده بعد می‌خواهید در این تهران بزرگ با یک نفر دیگر از دواج کنید حالا خانم یا آقا آن هم به اندازه شما با همین تنوع و تعدد وجود دارد چه چیزی می‌تواند شما را به همدیگر نزدیک کند مثل بعضی‌های ما من احساس می‌کنم مثل قبایل پولیزی و لانزی می‌مانیم مثلاً یک ممیز خنده‌داری گاهی وجود دارد در اینها مثلاً بعضی‌هایمان مهمان که می‌آید برایمان چه کار می‌کنیم جلوی خوردنی می‌بریم درسته اینها می‌زنند کاسه بشقاب می‌شکنند ببینید تفسیری از مهمان‌داری است آن هم یک تفسیر است این هم یک تفسیر ما به همان نسبت از یکدیگر دوریم در تفسیر نسبت به مسائل یعنی زبان مشترک به دلیل تنوع سنت‌ها و فرهنگ‌هایی که هر کدام از یک قوم و قبیله و منطقه اقلیمی و جغرافیایی آمده این قدر تنوع داریم خوب ما اینجا موقعی به اصطلاحاً برمی‌خوریم که آن همان اعتقاد و سنت‌ها و رسوم که با خودمان آوردیم را مخفی می‌کنیم و پنهان می‌ماند از

شخصیت ما وزیر لایه‌ای و روش یک شعار مثل همین مسائل امروزی که می‌بینیم ممکن است چپ‌ترین شعارها را بدهیم و راست‌ترین رفتار خانوادگی را داشته باشیم و برعکس راست‌ترین شعارها را بدهیم پس می‌خواهیم بگوییم که حرفی که زده‌اند یک حرف اصولی بود ذهن باید یک ذهن پویا و قرائتش جدید باشد و آن را به قلب خودش باورانده باشد که من باید انسان نوینی باشم و همین مقوله پارادوکسی را هم حفظ کنم یعنی انسان نوینی با ارزش‌های جاودانه در کنار نوآوری و دیدن وقایع روز من در مورد زن همین جا این را شاید باید می‌گفتم یکی از دردهای امروزی ما این است زنان ما پیشتر و پیشروتر از فرهنگ جامعه قواعد و قوانین جامعه، پیشروتر از سیاست‌گذاری‌ها و پیشروتر از تمامی تفکرات رایج هست البته به حمایت از زنان نمی‌گویم این را به پیروی از شخص امام خمینی (ره) رهبر کبیر انقلاب می‌گویم که ایشان تصویر جدیدی از زن آفرید و زنان ما این تصویر را گرفتند و آن را الگو و اسوه خودشان قرار دادند خیلی مهم است پارادایم زنان ما امروز زنان سنتی نیست که براساس آن پارادایم همه دنیا را ببیند پارادایم زنان ما زنان مدرن غربی نیست که براساس آن تمام دنیا را ببینند پارادایم زنان ما آن الگوی برتری است که امام خمینی (ره) مطرح کرد و زنان ما به تمامی نوسازی کردند خودشان را فکر، اندیشه، فرهنگ و پیش افتادند از وقایع اطراف خودشان و این پیشرفت واقعاً زندگی سرشار از رشد و تعالی را به زنان ما ارائه داد ولی در کنارش رنج‌ها و دردهای عمیقی را هم برای زنان ما مطرح کرد آنها در ساختارهای کهنه خانواده رنج می‌برند آنها در ساختارهای حقوقی زن پیشروی ما با ساختار کهنه حقوقی و ساختار کهنه خانواده در تضاد قرار می‌گیرد زن مسلمان زن معتقد زن پیشرو زن پیشتاز زن ارزشی نه زن پوک و پوچ پس این که من گفتم اسلام فراتر از سنت و تجدد است برای این که به یک همچنین حقیقت متعالی برسیم که قرائت نوینی داشته باشیم و وقایع موجود را ببینیم که در اطراف ما چه اتفاقی افتاده به هر صورت ساعت دوازده و پنج دقیقه است و من خیلی حرف دارم برای گفتن ولی با اجازه‌تان و شما هم می‌دانم که دوست دارید در یک گفتگوی خوبی قرار بگیرید ولی فرصتی نیست خوب با قرعه کشی یک سؤال را خواهش می‌کنم قرعه کشی کنید دیگر اول و آخر هم ندارد و یک سؤال را پاسخ می‌دهم یک قرعه بکشید، مگر قرار نیست که عدالت برقرار شود و نظر شخصی هم نباشد پس اجازه بدهید که با قرعه کشی از شفاهی‌ها اگر می‌خواهید با قرعه کشی همین جور چشم‌تان را ببندید و یکی را انتخاب کنید سریع بگذارید من خودم انتخاب کنم من دیگر نمی‌بینم من که هیچ کسی را نمی‌شناسم آقای نمینبات می‌گوید دیگر چی آقای حاجی باشی خانم جمالی از این سه نفر سؤال شفاهی یکی تشریف بیاورد. آقای نمینبات. ما دوست داشتیم که یک حقی هم برای خانم‌ها قائل شویم در یک سخنرانی که ویژه خانم‌هاست. بفرمایید به نام پروردگاری که به من و همه انسان‌ها لسان آموخت با کسب اجازه از عزیزان دانشجویان با لیاقت و با کفایت دانشگاه صنعتی امیرکبیر و با کسب اجازه از سرکار خانم دکتر رهنورد که در پنج‌شنبه هم در مرکز توسعه و پژوهش ایران من در محضر ایشان بودم و از فرمایشات شما کمال استفاده را بردم الان ما می‌بینیم چند قرن است که جنگ بین تجدد و سنت و مدرنیته بوده شخصیت‌ها، علما، فضلا، دانشمندان، عرفا و فلاسفه نظریات خاصی ارائه کرده‌اند ولی هنوز تکلیف ابناء بشر اینجا مشخص نیست که به چه راهی برود ما می‌بینیم دکارت دارای یک نظریه است کانت دارای یک نظریه است افلاطون دارای یک نظریه، جهان اسلام دارای یک نظریه است اما هنوز به آن نتیجه نهایی سرکار خانم نرسیدیم شما ببینید در میدان مبارزه یک تیم فوتبال دو تیم بعد از ۹۰ دقیقه مبارزه تماشاچی بعد از ۲ ساعت که وقت صرف می‌کند منتظر نتیجه است و آن تیمی که مورد علاقه‌اش است وقتی برنده شود نسبت به آن اظهار شادی و شغف

می‌کند ما هم منتظریم که حرف آخر را ببینیم آیا علم و تجدد می‌زند یا سنت کانت یک نظریه‌ای دارد که اشاره‌ای خانم فرمودند استفاده از نیروی عقل و خردکانت می‌گوید یک انسانی که به حد فضیلت و کمال دانش در این جهان هستی دست می‌یابد در مدت تمام طول عمرش بیش از  $\frac{1}{6}$  از مقدار مغزی که خداوند در جمجمه آن عنایت کرده نمی‌تواند استفاده کند بعد مثال می‌زند می‌گوید اگر با یک محاسبه دقیقی بخواهد سطح یک اقیانوس پهناوری را اندازه بگیرد ولی با یک متر از معین ۵۰ سانتی‌متری آیا این امکان دارد که بتواند این سطح اقیانوس را اندازه بگیرد چند قرن طول خواهد کشید آیا سطح فکر بشر هم به آن حدی رسیده که ما بتوانیم درباره شناخت همه این آفرینش و دستگاه آفرینش به نتیجه برسیم. ببخشید سؤال‌تان را خلاصه کنید. سؤال همین است که آن جواب قطعی را اگر سرکار خانم می‌تواند که آیا حرف اساسی را علم و تجدد می‌زند یا سنت و امثالهم من فکر می‌کنم که، ضمن تشکر که همان‌طور که خودشان گفتند از راه دور تشریف آورده‌اند ولی من تمام صحبت‌های من است که یک تعریف جدیدی باید از سنت و علم و تجدد بکنیم من معتقدم که سنت در حقیقت یک چیز ضد علم نیست مگر آن سنت‌های فتوایی و ارتجاعی و علم هم ضد سنت نیست مگر علم واقعاً ضد و حیانت و غیره حرف‌هایی من این که علم و ایمان دو بال پروازند برای بشریت برای پیشرفت و تعالی همچنانکه خود قرآن می‌گوید وقتی مثلاً می‌گوید شما نمی‌توانید به اقطار سماوات و الارض دست یابید مگر این که وسیله‌ای بسازید ببینید در چه شرایطی بحث وسیله و تکنولوژی را برای رسیدن به اقطار سماوات مطرح می‌کند به هر صورت امیدوارم که بشر با علم و ایمان به سمت تعالی و پیشرفت حرکت کند. با تشکر آقای فتوره‌چی تشریف دارند. آقای نمینات تشریف بیاورند. با سلام خدمت حضار و سرکار خانم رهنورد. البته من قصد پرسش نداشتم چون قبل از جلسه هم با ایشان یک کمی صحبت می‌کردیم ولی خوب ظاهراً بحث‌هایی که سرکار خانم مطرح می‌کردند انتظارات دوستان را برنیورده این که می‌بینید توی بحث‌ها همه باز می‌آیند دوباره تکرار می‌کنند مباحث را به خاطر این است که شاید امروز آن دیدگاه حالا مصطلح آن را من بگویم سوپرمارکتی نسبت به دین تقریباً متفی شده و به پایان رسیده است «دیدگاه‌چی»، سوپرمارکتی هر چیزی را بشود از توی دین درآورد و هر جایی که مشکل پیدا کردیم از توی دین بگویم قابل حل است به خاطر همین باعث تعجب شده از شما انتظار دارم به عنوان یک شخصیت علمی و دانشگاهی که سالیان متمادی با این مباحث آشنا بودید با بحث‌های علمی با بحث‌های دینی و غیره این موضع‌گیری‌های کلی و دیدگاه‌های کلی نسبت به شخصیت‌ها و اسلام را زیاد مقبول نمی‌دانند مثلاً شما در مورد حضرت زهرا (س) می‌فرمایید که ایشان در همه صحنه‌های اجتماعی حضور داشتند در حالی که آنچه که تاریخ می‌گوید ایشان سن و سال چندانی نداشتند در سنین جوانی فوت کردند ۱۸ سال داشتند و آن چیزی که از ایشان در تاریخ مانده یک خطبه فدک بوده حالا عده‌ای هم که اعتقادشان بر این است که ایشان به خاطر بیماری‌ها اصلاً فرصت حضور در اجتماع نداشتند شخصیت‌ها را به اندازه‌ای زیاد بزرگ کردن باعث دردسر می‌شود یا در مورد حضرت امام (ره) که می‌فرمایید آن موضع‌گیری که در مورد مسئله انتخابات کردند قبل از انقلاب این نبوده یا مثلاً سایر حدیث و روایت یا آن سؤال در مورد رأی‌گیری و حق رأی این را من نپرسیدم ولی این را چون من داشتم می‌خواهم بپرسم و دوست دارم بخوانم و بدانم این را، این متن تلگراف حضرت امام (ره) است در سال ۱۷/۷/۱۳۴۱ به شاه. این را چون داشتم می‌خواهم بدانم و بپرسم، که در صحیفه نور هست و دوستان می‌توانند مراجعه کنند. بسم... الرحمن الرحیم حضور مبارک اعلیحضرت همایونی پس از اهدای تحیت و دعا به طوری که در روزنامه‌ها منتشر شده است دولت در انجمن‌های ایالتی و ولایتی اسلام

را در رأی دهندگان و منتخبان شرط نکرده و به زن‌ها حق رأی نداده است و این هم موجب نگرانی علمای  
 اعلام و سایر طبقات مسلمین است بر خاطر همایونی مکشوف است که صلاح مملکت در حفظ احکام دین  
 مبین اسلام و آرامش قلوب است مستدعی است امر فرمایید مطالبی را که مخالف دیانت مقدسه و مذهب  
 رسمی مملکت است از برنامه‌های دولتی و حزبی حذف نمایند تا موجب دعاگویی ملت مسلمان شود  
 الداعی روح... الموسوی الخمینی خوب ببینید «داده را نداده خواندید» اصلاً بحث این نبوده که امام قصد  
 مبارزه با حکومت داشته سال‌ها بوده اصلاً دوران مبارزه امام آن موقع به شکل جدی اش نبوده این قدر احترام  
 را نسبت به شاه بوده و یک درخواست بوده و هدفش هم از این درخواست این است می‌گوید به خاطر اسلام  
 به خاطر آرامش نسبت به اجرای احکام اسلام باشد ببینید شخصیت‌ها در طول تاریخ تحولات متفاوتی پیدا  
 می‌کنند همین جور دیگاه‌ها نسبت به دین تغییر می‌کند ما فکر می‌کنیم دیگر امروزه وقت آن رسیده هر چیزی  
 را به جای خودش بررسی کنیم دین به جای خودش فرهنگ و جامعه و انسان‌ها هم به جای خودش. امروزه  
 وقت آن رسیده که ما به انسان‌ها عقلانیت و اهمیت بیشتری بدهیم سعی کنیم بحث‌هایمان را با این بحث‌های  
 معمولی و واقع‌گرایانه بیشتر پیش ببریم اگر که بخواهیم این شخصیت‌ها را و این اسلام را این قدر بزرگش  
 کنیم که همه چیز از توی آن در بیاید خوب آن حرف‌هایی را هم که شما قبول ندارید هم از توی آن (داخل آن)  
 در می‌آید دیگر. شما می‌گویید که بحث‌های مدرن هم از تو اسلام در می‌آید دیگر خوب بحث‌های سنتی هم  
 از توی اسلام در می‌آید با چه دلیلی حرف شما را بپذیریم یا با چه دلیلی بپذیریم که حرف‌های سنتی در می‌آید  
 یا نمی‌آید اصلاً شما با چه حقی من این قدر حرف زدم نفهمیدید شما اول این را به من بگویید «خوب حالا  
 شاید عقلم تمامش را نمی‌شناسد نفهمد» من کی این حرف‌ها را زدم اول از همه شما چرا حرف مرا گوش  
 ندادید آمدید اینجا نشستید من یک صحبتی کردم اقلأ گوش می‌دادید من کی گفتم اینها از تو دین یا اسلام  
 در می‌آید گفتم قرآن اسلام به دلیل نگرش فراستی و فرامردن خودش به ما اجازه دیدن می‌دهد به ما  
 متدولوژی دیدن می‌دهد به ما می‌گوید که ببین به ما می‌گوید واقعیت‌های موجود را ببین براساس آن روش  
 انتخاب کن من کی گفتم این چیزها از توش در می‌آید بلکه اسلام در ذات خودش پویایی دارد این یک  
 متدولوژی است یک روش است یک نگرش است شما چه طور اینها را اول بگویید اینها را آماده کرده‌ام که  
 بیایم اینجا بخوانم عیبی ندارد شما اول حرف مرا گوش بدهید که علمی حرف بزنید من انتظار داشتم شما که  
 علمی هستید علمی هم حرف بزنید بنده نظرم را دوباره عرض می‌کنم در اسلام متدولوژی و ساختار نو بودن  
 و نو دیدن دیده شده و دید انتقادی هم گذاشته شده وقتی به شما می‌گوید که لاتقف مالیس لک به علم ان... کان  
 مسئولاً تو حق نداری که هر چه دیدی قبول بکنی چون چشم و گوش و دست و پایت مسئول است آیا این به  
 شما نمی‌گوید که این خودش یک روش نیست این دید انتقادی به شما نمی‌دهد من حرفم این است منی که  
 اسلام و قرآن را شناختم این متدولوژی‌ها این روش‌ها را توی آن دیدم حالا بگویم این نیست در آن. من چه  
 پُر نوآوری به این قضیه بدهم وقتی خود اسلام به من گفته تو در مقابل چیزی که نمی‌دانی نباید بایستی، با  
 چشم و گوش و نگاه و آن واژه‌هایی که به کار بردن نگرش انتقادی داشته باش چون مسئول هستی نسبت به آن  
 حتی گوشت هم مسئول است نه این که خودت تنها به عنوان یک هویت حتی گوشت هم مسئول است چه  
 طور من این را ندیده بگیرم وقتی که قرآن به پیامبر (ص) می‌فرماید تو کسی را می‌توانی آگاه کنی انذار بدهی  
 که حی باشد زنده باشد مسلماً من و شما الان که زنده هستیم ولی بنده چون مرده‌ام یعنی فسیل هستم ولی شما  
 که زنده هستید یعنی ذهن پویا، فعال، انتقادی می‌گوید آن را فقط می‌توانی آگاه کنی آیا من این متدولوژی را

ندیده بگیرم پس اگر بنده ارتجاعی باشد اگر ایستاباشم اگر چشم و گوشم بسته باشد هیچ چیز نبینم و نشنوم پس معلوم است من را که نمی توانی بیدار کند به من که نمی تواند آگاهی بدهد اینها روش است چرا این روش های زیبا و پاک و متعالی را نبینیم و بعد این که امام خمینی (ره) یک چیزی آن موقع برای خودش گفته آخه آقا من ضمن این که به شما افتخار می کنم که آگاهی و اندیشه را به کار ببرید پویا باشید ولی این انتقاد را به شما دارم چرا یک شخصیتی که سوابق بسیار طولانی یعنی حداقل بیش از ۴۰ سال در زمان حیات خودشان ایشان سابقه مبارزاتی داشته بگوییم این را برای خودش همین جوری گفته به شاه هم احترام می گذاشته مگر امیر کبیر با آن عظمتش که شهید هم شد به شاه احترام نمی گذاشت تا ساختار را شکسته دارد از آن روش برای خودش استفاده می کند چرا نمی بینید یک شخصیت بزرگ خودتان را دارید از دست می دهید مردم می گردند ملت های دیگر از آن زیر خاک ها آن گوشه و کنارها از گوشه کنارهای زاویه اندیشه و تاریخ یک نفر را پیدا می کنند به او پز بدهند و افتخار کند بگوید این زندگی ما را تغییر و تحول بخشید شما یک همچنین عظمتی که دنیا را تکان داد این جوری می گوید که یک زمانی برای خودش یک چیزی همین جوری گفت چرا علمی حرف نمی زنید چرا مستند حرف نمی زنید شما که به من می گوید که علمی حرف بزن خودت اول کسی هستی که باید مستند حرف بزنی ۴۰ سال مبارزه را می گوید که نه آن موقع اصلاً مبارزه شروع نشده بود مگر سال ۱۳۴۲ خونریزی که شد قبلش سابقه نداشت مبارزات کشور ما مرحله به مرحله پیش رفته مبارزه ملی داشتیم مرحوم مصدق بودند با آن عظمتش مبارزه های بعدی داشتیم بعد نهضت آزادی آمد بعد نهضت امام خمینی آمد طول تاریخ را علمی بررسی کنید اینجا یک دانشگاه بود کور قلبیایی نیست یک دانشگاه علمی است من هم می خواهم علمی بشنوم حرف را این همه شخصیت های برجسته وجود داشتند و برجسته ترین و بنیان گذارترین و مؤثرترین آن یک همچنین شخصیتی و امیدوارم بعد از ایشان هم شخصیت های بزرگ تری ما داشته باشیم ملت ما نمرده فرزندان بزرگی می تواند در دامن خودش پرورش بدهد آیا برای شما من به عنوان یک جوان به شما می گویم خودم هم به عنوان یک معلم کوچک که از ۱۹ سالگی معلم بودم دارم به شما می گویم چه طور دلتان می آید شخصیت های خودتان را پایمال کنید چه فرقی می کند با آنی که می آید مرحوم مصدق را له می کند خیال می کند خیلی طرفدار امام شد اگر مصدق را له کرد می آید بازرگان را له می کند خیال می کند خیلی طرفدار امام است که بازرگان را له کرد خوب مفاخرمان اگر از دست بدهیم چه برایمان می ماند یک حرف حقی را درست بفهمید که من نگفتم همه چی از توی دین درآورد مثلاً علم پزشکی را هم از توی دین درآورد صنعت و غیره را هم درآورد بلکه گفتم متدولوژی و روش و نگاه و نگرش و دید انتقادی را جاودانگی ها را در کنار تحول ها را این یک بُعد بود که خیلی رویش مرسوم که توجه بشود و دوم این که روی مفاخر واقعاً شما هم نباشید از آنهایی که پایمال می کنند له می کنند می زنند می کشند خدا را خوش نمی آید که واقعاً فرزندان ملت را این جور آدم نابود بکند من با نابود کردن هیچ فرزند ملتی موافق نیستم از یک شاعر کوچکش در یک دهات باشد تا یک شخصیت سیاسی اش مثل مصدق باشد مثل بازرگان باشد تا یک متفکرش مثل سروش باشد مثل شریعتی باشد مثل مطهری باشد جوادی آملی باشد آخر این چه کاری است فرزندکشی فرزند خوری تا شخصیتی که به اوج برسد که شخصیتی است مثل امام خمینی (ره) که دنیا را تکان داده الان این به عنوان یک تجربه معلمانه دارم به شما می گویم مفاخر را نباید کشت بعد در مورد شخصیت حضرت زهرا (س) این را به شما بگویم شخصیتی که از ۳ سالگی خودش در صحنه های جنگ در کنار پدرش حضور داشته مشارکت ایشان از ۳ سالگی شروع

می‌شود آنجایی که در صحنه‌های جنگ حاضر می‌شد و از پدر مثل مادر دلجویی می‌کرد که به او می‌گوید ام‌اینها مادر پدرش تا از دواج و انتخاب آگاهانه‌اش تا صحنه‌های تاریک مدینه موقعی که سوار بر اشری با تمام بیماری‌هایی که داشت برای رأی‌گیری در خانه‌های انصار البته نه انصار حزب ... و مهاجر این یک حرکت کاملاً سیاسی است تا صحبت‌های دیگر که من نمی‌خواهم اشاره کنم برای این که من دنبال وحدت جهان اسلام هستم من به یک میلیارد جهان اسلام فکر می‌کنم الان سایر صحبت‌ها را نمی‌خواهم به آن اشاره بکنم کل یک شخصیتی که به تمام معنا سوه است علمش، اندیشه‌اش، دانشش، مبارزه‌اش و وسعش به جهان غیب همه ابعاد وجودش که اصلاً من فکر می‌کنم اگر دنبال سوه‌ها بگردیم حداقل حقیر یک مطالعه اسوه‌ای کردم اصلاً اسوه‌ای به تمام معنا از هر زاویه این هم ادامه فرزند کشی‌هاست فرزندهای بشریت را دارید می‌کشید اگر شما زهرا (س) را تقلیل بدهید مریم (س) را تقلیل بدهید برترین و جاودانه‌ترین فرزندهای بشریت و الگوهای جاودانه را کشتید و تقلیل دادید این چه افتخاری دارد حتی شما بگردید به نظر من از زاویه امروز ترموتیکی هم نگاه نکنید یعنی بگردید ببینید تاویل اگر بتوانید بکنید دیگر چه می‌توانید به این شخصیت‌ها بیفزایید همین‌طور که به مری‌کویی و پروین اعتصامی و سایر شخصیت‌ها البته بدون این که در آن فاز بالای دینی و قدسی این بزرگان اولیه باشند همان‌طور که به آنها باید احترام بگذارید حالا مثلاً بگوییم که پروین اعتصامی شاعر خوبی نیست چون یک خورده روسری‌اش عقب بوده این هم فرزند کشی است من می‌خواهم روش داشته باشیم برای این کار واقعاً من رنج می‌برم از این رفتار واقعاً مز محل‌کننده شخصیت‌هایی که مادر طول تاریخ داشتیم و با هر کدام ما می‌توانیم یک زاویه تحلیل به زندگی و هستی باز بکنیم بعد هر کدام به یک بهانه‌ای بیاییم یک جوری لگدمال کنیم له کنیم این چه کاری است. خوب اجازه هست که من چون در مورد این که فرمودند حضرت امام (ره) دوستان من را می‌شناسند و احتیاجی نیست که بخواهم در مورد این جور چیزها حرفی بزنم «نه می‌دانم من هم شما را می‌شناسم که خیلی والا هستید خیلی برجسته هستید خیلی سابقه‌دار هستید خیلی مؤمن هستید مثل یک مادر مثل یک معلم دارم با شما صحبت می‌کنم اگر غیر از این بود این قدر صمیمی نبودم متوجه هستید من دلم به درد آمد از این که ما شخصیت‌ها را له کنیم این مجموعه‌ای از دردهای کلی دیگر است دیروزش هم تو پارک لاله له شدن شخصیت‌ها را دیدم روز دیگرش هم جای دیگر اصلاً این روش را من دارم انتقاد می‌کنم منی که خوشبختانه وابسته به هیچ چیزی نیستم و علم و اندیشه و دانش و ایمان و ان‌شاء... که خدا توفیق بدهد که همیشه دنبالش باشم دارم به شما می‌گویم این روش را که ما ۲۰ سال است امروز قبلش هم به شکل‌های دیگر تیشه را برداشتیم له کردن، زدن، کشتن، نابود کردن، چی برای این ملت می‌ماند آخر و شخص شما را من نمی‌گویم می‌دانم که حداقل هیچ‌کس شما را شناسد من اگر نمی‌شناختم هم ۲ ساعت الان نشستم با شما حرف زدم و به آن ابعاد والای فکری و شخصیت شما آگاهم این را هم که دارم می‌گویم در مجموعه یک در حقیقت رنجی از مجموعه آن رنجانم‌های فرزند کشی این روشی که ما به خودمان گرفتیم که همین جور مرتب داریم تاریخ خودمان را لگدمال می‌کنیم یا تحریفش می‌کنیم یا داغونش می‌کنیم یا بعد تفسیر می‌کنیم یا فرزندان برومند ملت خودمان را به شکل‌های مختلف نابود می‌کنیم یا الگوها و اسوه‌های جاودان را به شکلی زیر سؤال می‌بریم و بدانید که ما به این ترتیب ره به جایی نخواهیم برد و امروز شما هم می‌بینید دنیا به سرعت در حال اندیشه‌های نوین است هر روز یک فکری از یک ملت یک سرزمین دارد می‌آید ما این جوری نشستیم چون یک مقداری را کشتیم یک مقداری را خفه کردیم یک مقدار را فحش دادیم یک مقدار را در خانه‌هاشان زدیم

یک مقدار از دانشگاه بیرون کردیم خلاصه مطلب شدیم این طوری که می بینید فقط باید بلغور کنیم امروز فوکوچی گفت در ید چی گفت بلوس چی گفت مازکس چی گفت انگلس چی گفت ولی من چی بگویم در دانشگاه می روم هنوز کتاب های اینهاست هنوزم یک اندیشه ناب و تازه ای در نیامده اگر هم درآمده له کردیم ما هنوز حرفی نداریم علوم انسانی ما نمی تواند رشد بکند پیشرفت داشته باشد برای این که موقعی می تواند پیشرفت داشته باشد که وقتی رفتی جلوی دانشگاه بنده از دانشگاه تهران که در می آیم می روم کتاب فروشی ها هنوز می بینم حرف تازه ما نمی توانیم بزنیم دو تا هم که زدیم یک جورش کردیم اینها برای چیست». «حالا اتفاقاً یک کمی من توضیح بدهم از اتفاق انتقادی که ما داریم به همین است که باید با این جور برخوردها با این جور زیاد بزرگ کردن شخصیت ها که تبدیل می شوند به یک اسطوره ها به یک بت های ناشناختنی که از بین جامعه بروند بالاتر و در یک سطحی قرار بگیرند که دست نیافتنی باشند دقیقاً محو کردن همان شخصیت هاست اگر ما اجازه ندهیم که به اندیشه های امام (ره) انتقاد بشود اگر اجازه ندهیم که امام (ره) هم به عنوان یک اندیشمند در این جامعه با او برخورد شود مطمئن باشید که ما هم حضرت امام (ره) را از بین مردم حذف کردیم و از داخل جامعه بردیم بیرون این جور برخورد کردن ها با حضرت امام و دیگر شخصیت ها عین همین اگر که این جوری برخورد کنیم چیزی دیگر از اینها باقی نمی ماند چرا مثلاً ما یک سمینار می گذاریم حالا من این را برای دوستان بگویم پارسال مثلاً ما برنامه داشتیم برای بررسی اندیشه های حضرت امام (ره) شخصیت هایی عین آقای کدیور، آقای علوی تبار همین شخصیت های اندیشمند را آوردیم اینجا ۱۰ بیشتر نمی آیند تو سالن جمع شوند ولی همان شخصیت ها را می آوریم برای یک بحث دیگر برای بررسی شخصیت شریعتی هرکس دیگر را بیاوری ۱۰۰ تا ۲۰۰-۵۰۰ آدم می آیند چرا این جور برخوردها می شود به خاطر این که یک سری شخصیت ها را آنقدر بزرگ کردیم که دیگر دست نیافتنی شده اند قابل انتقاد وقتی یک شخصی نباشد نمی توان با او برخورد کنی نمی توانی اندیشه اش را به نقد بکشی». این حرف درسته، حرف اول شما این نیست من این را قبول دارم اجازه بدهید آن حرفی که زدند در مورد حضرت امام (ره) شما در جواب گفتید آن موقع حضرت امام (ره) مبارزه می کردند.

«والسلام علیکم ورحمة الله و بركة»